

مفهوم مرز و سرحد

وسیر تحولات آن

حسن پیردشتی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، دبیر جغرافیا آمل

مریم کمری

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دبیر جغرافیا آمل

۱. چکیده

مرز، به‌عنوان پدیده‌ای فضایی، عامل تشخیص یک واحد متشکل سیاسی و مستقل از واحدهای سیاسی دیگر است. در گذشته مرز به معنای سرحد و حد و فاصل دو قلمرو مستقل به‌کار می‌رفت. اما امروزه مفهوم سرحد که به‌عنوان حد فاصل قلمرو دو امپراطوری یا نقطه انتهایی قلمرو یک کشور قلمداد می‌شد، به شکل رسمی وجود ندارد. تحولاتی که در سال‌های اخیر در سطح جهان اتفاق افتاده است، از جمله فرایند جهانی شدن و ظهور اینترنت و فضای مجازی، مفهوم کلاسیک مرز را دچار تغییرات زیادی کرده است. تحقیق حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای و همچنین مراجعه به سایت‌ها صورت گرفت و ضمن بررسی مفهوم مرز و سرحد از گذشته تا کنون، سیر تحولات تاریخی آن نیز مورد کنکاش قرار گرفت. نتیجه تحقیق نشانگر آن است که تحول در مفهوم مرز از گذشته تا کنون، هم ناشی از تحولات در فضای سیاسی جغرافیایی و هم به شکل مجازی، در قالب مرزهای الکترونیکی، صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مرز، سرحد، تحولات مرزی، فضای مجازی، حاکمیت، جغرافیای سیاسی

۲. مقدمه

هم باز شناخته می‌شدند. سرحدات نواحی سیاسی - جغرافیای بودند که در ماورای قلمرو یکپارچه یک واحد سیاسی قرار داشتند و لزوماً تفکیک کننده دولت‌ها نبودند. این نواحی، ضمن اینکه غالباً قلمرو دو دولت را از هم جدا می‌کردند، طمع دولت‌ها را نیز تحریک می‌کردند و به اشغال در می‌آمدند. گاهی اوقات سرحدات

مرزها به‌طور کلی تعیین کننده حدود و قلمرو حاکمیت و مالکیت یک دولت یا نظام سیاسی هستند و کشورها و دولت‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازند. در گذشته دولت‌ها با خطوط مرزی از یکدیگر تفکیک نمی‌شدند بلکه با سرحدات یا نواحی مرزی از

رخ داده است.

۳. فلسفه شکل‌گیری مرز و سرحد

شناسایی قلمرو و حدود مالکیت و فرمانروایی یک امر ذاتی و غریزی در جانداران است و به‌جز انسان، سایر حیوانات نیز این غریزه را دارند و از حریم خود حفاظت و حراست می‌کنند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۰۲) طبق نظر «دیوید. ام. اسمیت»^۱، قلمروخواهی یک خصیصه غریزی انسانی نیست، بلکه یک ساخته اجتماعی است. قلمروخواهی و گونه‌های مختلف ابراز آن، باید به‌عنوان وسیله‌ای برای نیل به یک هدف مشخص نظیر ادامه بقا، سلطه سیاسی و یا بیگانه‌ستیزی شناخته شود. (مویر، ۱۳۷۹: ۱۷) یکی از بنیادهای فلسفی پیدایش مرز وجود تفاوت در نظام خلقت است. تفاوت‌ها در فضای جغرافیایی، گروه‌های انسانی، اشیا و پدیده‌های واقعی وجود دارند و انکارناپذیرند. بنابراین موجودیت مرز را معنادار و ابدی می‌کنند.

به‌طور کلی وجود تفاوت در خصیصه‌های موجودات در عالم هستی، اساس خلقت را تشکیل می‌دهد. بنابراین تفاوت، در بطن خود، تفکیک و مرز را به همراه دارد (حافظ‌نیا و جان‌پرور، ۱۳۸۷: ۱۷) انسان‌ها برای مشخص ساختن محیط فعالیت خود، آن گونه که با گستره فعالیت همسایه‌شان تداخل پیدا نکنند، ناچار به تعیین خطوطی قراردادی در بخش پایانی و پیرامونی محیط‌زیست یا قلمرو خود هستند. گونه گسترش یافته این مفهوم خط پیرامونی است که حد نهایی گستره فعالیت یک ملت را مشخص می‌سازد و جنبه‌ای سیاسی پیدا می‌کند که «مرز» خواننده می‌شود. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۴۰) مرز نماد احساسات ذاتی انسان است که در قالب علائم و نشانه‌ها تجلی پیدا می‌کند. «احساس هویت جمعی از یک سو و احساس منافع جمعی از سوی دیگر که به انسجام درونی سازه انسانی و تمایز آن‌ها از دیگران و مرزسازی بین آن‌ها کمک می‌کند، در شکل کشورها و ملت‌ها به توسعه حس ملی‌گرایی کمک می‌کند و مرزها را معنادارتر و پایدارتر می‌سازد و اساس اعتبار مرز در فضای واقعی و فضاهای مجازی را تقویت می‌نماید». (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۰۸) رابرت ساک تأکید می‌کند که در ترسیم و نگهداری مرزها نیروهایی فوق‌العاده ذاتی وجود دارد که به سادگی از بین نمی‌رود. (Sack, ۱۳۸۶: ۳۲)

در گذشته، یا حتی امروز، برای جوامع یکجانشین که اقتصاد آن‌ها بر اراضی پیرامون محدوده سکونتشان مبتنی بوده، بی‌تردید تشخیص حدود و ثغور سکونتگاه‌ها و مزارع اهمیت داشته است. (ودیع، ۱۳۵۳: ۱۵۳) این طرز تلقی نه تنها در تعیین قلمرو

دارای عوارض و پدیده‌هایی طبیعی، نظیر رودخانه‌ها، کوه‌ها، کویرها، جنگل‌ها و... بودند که به‌صورت یک مانع طبیعی عمل می‌کردند و گاهی اوقات نیز یک منطقه سرحدی در حکم منطقه حاصل عمل می‌کرد و مانع از تماس و برخورد دو دولت مجاور می‌شد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۹۹ و ۳۰۰)

سرحدات و مرزها احتمالاً محبوب‌ترین موضوعات در جغرافیای سیاسی بوده‌اند. دو اصطلاح سرحد و مرز به‌طور گسترده و غالباً به‌صورت جابجا به‌وسیله جغرافی‌دانان و دیگران برای توصیف تقسیمات سیاسی به‌ویژه در سطح ملی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با توجه به این زمینه، تعیین تمایز آشکار بین آن‌ها دشوار است. در دوران اوج گسترش امپریالیستی اروپائیان در قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم، سرحدات بخش مشترکی از گفت‌وگوهای سیاسی، و نمایشگر تقسیمات سیاسی بین دو کشور یا محدوده

دو اصطلاح سرحد و مرز به‌طور گسترده و غالباً به‌صورت جابجا به‌وسیله جغرافی‌دانان و دیگران برای توصیف تقسیمات سیاسی به‌ویژه در سطح ملی مورد استفاده قرار می‌گیرد

سکونتگاه‌های دائمی بودند. امروزه سرحدات شکل جدیدتری دارند. آن‌ها تحت تأثیر جریان‌های جهانی، سکونتگاه‌های انسانی و توسعه اقتصادی جایگزین مرزها شده‌اند؛ مرزهایی که به روشنی به‌صورت خطوط تعیین شده درآمده‌اند.

هر چند هنوز هم از هر دو اصطلاح در جغرافیا استفاده می‌شود، ولی اصطلاح مرز به‌وضوح به‌عنوان یک اسم عام برای تشریح تقسیمات جغرافیایی پذیرفته شده است. (بلاکسل، ۱۳۸۹: ۱۸۴)

با توسعه و تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات در چند دهه اخیر؛ که پیامد آن، مسئله جهانی شدن را به‌وجود آورده است، مرزها به‌عنوان نماد قدرت حکومت‌ها (کشورها)، با چالش مواجه شده‌اند. (Kearney, ۲۰۰۴: ۳۵) استانبوری و ورتینسکی معتقدند «مرزهای جغرافیایی تا حدود زیادی بی‌معنا شده‌اند». (Stanbury & Vertinsky, ۱۹۹۵: ۸۷)

فرانسیس کرن کراس معتقد است انقلاب ارتباطات و اطلاع‌رسانی به «زوال و مرگ فاصله» منجر می‌شود و پیامد آن «جهان بدون مرز است». (Cairncross, ۱۹۹۷: ۲۳) تحقیق حاضر که از نوع توصیفی تحلیلی است به دنبال بررسی تاریخ شکل‌گیری سرحدات و مرزها و تحولاتی است که در مفهوم مرز

مالکیت و حاکمیت شخصی و خانوادگی تعیین کننده بوده؛ بلکه در حالت جمعی و گروهی (روستا و شهر) نیز یک دیدگاه مشترک برای حفاظت از منافع گروهی به شمار می‌رفته است. در سطح کلان‌تر که نظام اجتماعی یک فضای جغرافیایی، در قالب دولت‌های دموکراتیک (نظیر ماد اولیه) یا مطلقه (اکثر دولت‌های ایران) تجلی می‌یافت؛ شناسایی و تعیین حریم جمعی و حدود جغرافیایی سرزمین برای مردم متشکل در قالب یک نظام اجتماعی-سیاسی، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کرد و مسئله جدایی از سایرین و لزوم حراست و حفاظت از حریم به صورت یک وظیفه و تعهد و همیاری گروهی در می‌آمد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۰۲)

۴. تاریخچه شکل‌گیری مرز و سرحد

تاریخ نشان می‌دهد که در گذشته مفهوم مرز با آنچه که امروزه از آن برداشت می‌شود، تفاوت داشته است. در گذشته مرز به صورت یک خط مفهوم نداشت، در آن زمان، منطقه پهنای را که حد فاصل میان دو امپراطوری بود، منطقه سرحدی می‌خواندند. (میرحیدر، ۱۳۷۱: ۱۴۳) بهترین نمونه منطقه سرحدی در جهان کهن را می‌توان میان امپراطوری‌های ایران و روم جست‌وجو کرد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۷۰ و ۱۷۱) در ضمن این‌گونه مناطق، معمولاً به طور تصادفی به وجود می‌آمده‌اند و تصمیم و موافقت قبلی دولت‌ها مبنای تشکیل آن‌ها نبوده است. معمولاً، سرحد به معنای آخرین حد پیشروی یک امپراطوری در نواحی اطراف خود بوده است. از زمانی که دولت‌ها بنا بر خواست ملت‌ها به وجود آمدند، مرز مفهوم امروزی خود را یافت و منطقه سرحدی نیز جای خود را به خط مرزی داد. ازدیاد روزافزون جمعیت و نیاز فزاینده مردم به منابع طبیعی موجب شده که دولت‌ها در علامت‌گذاری خطوط مرزی خود دقت کنند و مرزها تا حد ممکن کمترین فضا را اشغال کنند. (میرحیدر، ۱۳۷۱: ۱۴۳) یونگ بر این باور است که مرزها از اهمیت روزافزون و دیرپایی برخوردار هستند. (Yeung, ۱۹۹۸: ۲۹۲)

برخی از جغرافی‌دانان غربی بر این باورند در حالی که انسان روزگاران باستان برای تعیین قلمرو فعالیت خود با مفهوم «سرحد» سر و کار داشت، انسان مدرن، در مورد پیرامون قلمروش، به تشخیص و تعیین «مرز» توجه دارد. این گروه از جغرافی‌دانان گمان دارند که مرز، به مفهوم کنونی آن، تا همین اواخر وجود نداشته است. انسان کهن، پایان فتوحات خود را «سرحد» می‌شناخت. بدین ترتیب می‌توان گفت، سرحد مفهومی کهن است و مرز مفهومی نوین اگرچه این تحلیل درست و منطقی و پذیرفتنی است و در فرهنگ جغرافیایی-سیاسی فارسی نیز صدق

می‌کند، اما جغرافی‌دانان یاد شده باختر زمین اگر شاهکار حماسی ایران، یعنی شاهنامه را، مطالعه می‌کردند، در می‌یافتند که حکیم ابوالقاسم فردوسی در قرن یازدهم میلادی از ایجاد ستون‌های مرزی میان ایران و توران (آسیای مرکزی کنونی) در دوران ورهرام یا همان بهرام گور ساسانی (۴۲۰-۴۳۸ م) سخن به میان آورده است. این مطلب که بهرام مرز ایران و توران را بر جیحون نهاد، در حقیقت حتی به وجود مرز رودخانه‌ای در جهان باستان اشاره دارد. در شرح این رویداد فردوسی در جلد سوم، شاهنامه می‌گوید:

برآورد میلی ز سنگ و ز گچ
که کس را ز ایران ز ترک و خلج
نبودی گذر جز به فرمان شاه
همان نیز جیحون میانجی به راه

در متن اصلی به جای گچ «گنج» آمده است که به گمان نادرست باشد. منظور از خلج در اینجا «مردمان دیگر» است. (۱) این مورد بی‌تردید تعیین مرز به مفهوم مدرن واژه است. باز هم این فردوسی بزرگ است که هزار سال پیش گفته است که ششصد سال پیش از او ستون‌هایی مرزی پدیدار آمد که ایرانیان و ترکان و دیگر مردمان اجازه نداشتند از آن بگذرند مگر با نشان دادن اجازه نامه‌ای از شاه. جالب‌تر اینکه اجازه نامه از شاه برای گذشتن از مرز را می‌توان در حکم گذرنامه‌ای از حکومت ساسانی تلقی کرد و این همان پاسپورت در مفاهیم مدرن است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۴۱)

مرز نماد احساسات ذاتی انسان است که در قالب علائم و نشانه‌ها تجلی پیدا می‌کند

پس می‌توان گفت؛ مرز از ابداعات مردم ایران به‌شمار می‌آید که توانسته است مشکلات ناشی از تجاوزات و هجوم اقوام و ملل دیگر را به سرزمین ایران تا حدودی حل و فصل کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۰۰ و ۳۰۱)

همه نامداران آن مرز را
چو طوس و چو گیو و چو گودرز را
ببینی تو کوپال گودرز را
که چون در نوردد همه مرز را

۵. سیر تاریخی تعریف مرز و سرحد

در برهان قاطع آمده است «مرز به فتح اول و سکون ثانی و زای نقطه‌دار، زمینی را گویند- و زمینی را گفته‌اند که به شکل

مربع سازند و کناره‌های آن را بلند کنند و در میانش چیزها بکارند- و به معنی سرحد هم آمده است، چه مرزبان، صاحب و حاکم و نگهدارنده سرحد باشد».

از آن مرز تا پیش دریای چین
همه نام بردند شهر و زمین
به فرسنگ صد بود بالای اوی
نشایست پیمود پهنای اوی (شاهنامه)

توضیح یاد شده، از فرهنگ برهان قاطع، از قدیمی‌ترین تعریف در زبان فارسی است و خود منبع و مرجع بسیاری از فرهنگ نویسان دوره‌های بعد شده است. و همان معنای سرحد «خط فاصل» در متن‌های پهلوی و اوستایی آمده است. واژه «مرز»^۲ و مترادف آن «سامان»^۳ معنای «میان دو سرزمین» را دارد. واژه‌های دیگری همچون «کنارگ»^۴ نیز در متن‌ها دیده می‌شود که همگی در همان معنای مرز به کار می‌روند. در متون پهلوی واژه «کیش» مفهوم مرز را می‌رساند که همان مفهوم سرحد و حد فاصل بین دو سرزمین را دارد. واژه کشور نیز از دو جزء «کیش» به معنای مرز و «ور» به معنای دارنده ترکیب شده است. و همچنین این واژه به

در گذشته مرز به صورت یک خط مفهوم نداشت، در آن زمان، منطقه پهنای را که حد فاصل میان دو امپراطوری بود، منطقه سرحدی می‌خواندند

معنای «کشتن» و سرزمین مزروع است. (بهرامی، ۱۳۸۷: ۲۰۱ و ۲۰۲) در حالی که «مرز»^۵ در فارسی از مفهوم «سامان» فراتر نمی‌رود و آن خطی است جدا کننده دو سرزمین که هیچ‌گونه نگاه به درون یا بیرون را نمی‌رساند. «سرحد»^۶ در حقیقت مفهوم میزان نهایی یا «اندازه» را می‌رساند. در حالی که «مرز» جلوه‌گاه خطی فرضی است که در نتیجه فشار سیاسی- نظامی دو قدرت به هم سوی یکدیگر پدید می‌آید، «سرحد» منطقه تماس دو موجودیت سیاسی- اقتصادی مستقل و جدا از هم است که می‌تواند، با اطمینان، جلوه‌گاه محدوده خارجی قدرت و نفوذ یک حکومت عنوان گیرد، و پدیده‌ای است سرزمینی که گستره‌اش از پهنای یک خط مرزی فراتر می‌رود و حالت منطقه سرحدی را به خود می‌گیرد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۴۲) مفهوم سرحد، نزد ملت‌های گوناگون تفاوت‌هایی داشته است. ژان گاتمن اشاره می‌کند: «نزد برخی ملت‌ها، سرحد خطی در محیط بود که می‌بایستی حفاظت و دفاع می‌شد. مفهوم فرانسوی «سرحد طبیعی»^۷ شاید بهترین

نشان دهنده این تلقی از سرحد باشد. نزد دیگر ملت‌ها، سرحد منطقه‌ای پیرامونی بود که دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی را سبب می‌شد که باعث موجودیت ملتی شده و در تأمین رفاه ملتی مؤثر می‌افتاد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۷۱) «سرحد پدیده‌ای سرزمینی است که؛ گستره‌اش از پهنای یک خط مرزی فراتر می‌رود و حالت منطقه (سرحدی) را به خود می‌گیرد. سرحد شامل موانعی از قبیل کوه، رود یا دریاست. این علائم از نظر طول، مشخص‌اند ولی عرض آن‌ها مقیاس معینی ندارد و طبق قراردادهای بین دولت‌ها و مقاصد مختلف ممکن است اندازه معینی برای آن در نظر گرفته شود.» (روشن و فرهادیان، ۱۳۸۵: ۱۴۰) مرز؛ به خط فاصل میان دو کشور گفته می‌شود. براساس تعریف آخرین حد قلمرو زمینی، دریایی، هوایی و تحت‌الارضی (زیرزمینی) هر کشور را مرز آن کشور می‌گویند. مرز مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک کشور از کشور همسایه است. ([http:// fa. wikipedia. org](http://fa.wikipedia.org))

صاحب‌نظران جغرافیای سیاسی دنیای مدرن به ما می‌گویند که «مرز» مفهومی جدید است و در اروپای پس از انقلاب صنعتی پدیدار آمد. آنان بر این باورند که نیاز به تعیین خطوط دقیق و نقاط تماس میان کشورها همراه با فرا آمدن اقتصاد جهانی در قرن نوزدهم احساس گردید. این پدیده نو- که یکی از نخستین نمونه‌هایش در جناح خاوری و شمال باختری ایران تعیین شد- محصول اجتناب‌ناپذیر گسترش امپریالیسم جهان‌نگر در سرآغاز این دوران و نظام اقتصادی و سیستم بازرگانی و ارتباطات نوین زاینده از آن بوده است. (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۱۵۸)

۶. ویژگی‌های کلی مرزها

- مرزها دارای ویژگی‌های زیادی هستند ولی به نظر می‌رسد، چهار ویژگی عمده آن‌ها را می‌توان به صورت زیر برشمرد:
۱. مرزها علاوه بر تعیین حدود بین کشورها ممکن است، در شرایط و مقتضیات خاصی، دو جامعه را از هم جدا کنند. برای مثال «دیوار حائل» که دیواری بتونی بین فلسطین و اسرائیل است و از سوی اسرائیل احداث شده است.
 ۲. ممکن است مرزی به دلیل امنیتی و ترس از خطرهای طرف مقابل به وجود بیاید، مثل مرز مین گذاری شده بین دو کشور کره شمالی و کره جنوبی.
 ۳. مرز ممکن است از نظر اجتماعی بین دو جامعه به وجود آید و اصولاً ارتباطی به قومیت نداشته باشد، مانند مرز بین محلات غنی و فقیر در بعضی از کشورها.

۴. مرز در بعضی از قاره‌ها ممکن است منشأ رقابت برای تصرف منابع زیرزمینی، دسترسی به آب یا نفت در کشورهای خاورمیانه و دیگر کشورها، درگیری‌های قومی در آفریقا و ... (همان: ۱۹۲ و ۱۹۳)

۷. انواع مرزها

همان‌طور که گفته شد کاربرد اصطلاح مرز برای تفکیک دو قلمرو مستقل از سابقه کمتری برخوردار است و از این کلمه امروزه به‌طور کلی جایگزین اصطلاح «سرحد» شده است. امروزه شاهد انواع مرزها هستیم که تعریف برخی از آن‌ها را می‌آوریم.

۱-۷. مرز بین‌المللی^۸

خطی که سرزمین یک دولت را از دولت همسایه جدا می‌سازد، مرز بین‌المللی نام دارد. (روشن و فرهادیان، ۱۳۸۵: ۲۲۶) مرزهای بین‌المللی، به عنوان خط تماس میان کشورهای همسایه، در شکل‌دهی مناسبات سیاسی و اقتصادی آن‌ها نقش برجسته‌ای به عهده دارند. (درايسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۰۱) چنانچه منظور از واحد سیاسی دولت باشد، خطوطی که سرزمین یک دولت را از دولت همسایه جدا می‌سازند، به مرزهای بین‌المللی معروفاند. مرزهای بین‌المللی، در شکل‌دهی مناسبات سیاسی و اقتصادی میان دولت‌ها نقش برجسته‌ای به عهده دارند. (میرحیدر، ۱۳۷۱: ۱۴۱)

۲-۷. مرزهای پیش‌تاز و مرزهای پیش از سکونت^۹

این نوع مرزها را بهترین نوع خط مرزی می‌نامند، چون به تدریج که مردم در اطراف این خطوط ساکن شده‌اند وضع خود را با مرز تطبیق داده و از این نظر هیچ مشکلی به وجود نیامده است. (روشن و فرهادیان، ۱۳۸۵: ۲۲۶)

۳-۷. مرز تحمیلی^{۱۰}

به خط یا خطوط مرزی که بدون توجه به سیمای فرهنگی ناحیه و تنها در اثر سیاست بین‌المللی به وجود آمده مرز تحمیلی گفته می‌شود. (همان)

۴-۷. مرز سیاسی^{۱۱}

مرز سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر است. مرزهای سیاسی، ایجاد وحدت سیاسی را، در منطقه‌ای که ممکن است فاقد هر گونه وحدت طبیعی باشد، ممکن می‌سازد. (همان)

۵-۷. مرز متروکه^{۱۲}

این نوع مرز، همان‌طور که از نام آن پیداست، اعتبار خود را به عنوان مرز سیاسی از دست داده ولی آثار آن هنوز در چشم‌اندازها

نمایان است. (همان)

۶-۷. مرز هندسی^{۱۳}

در بسیاری از کشورها، جایی که استفاده از عوارض طبیعی برای تعیین خط مرزی ممکن نباشد، از خطوط نصف‌النهار، مدارها و یا خطوط مستقیم و مدور استفاده می‌کنند. این‌گونه مرز را مرز هندسی می‌گویند. (همان)

۷-۷. مرز طبیعی^{۱۴}

این مرز ناشی از امتداد عوارض طبیعی یا جغرافیایی، مانند کوه، دره، رودخانه است و در درازای کرانه‌ها یا میانه دریاها پدید می‌آید. بدین ترتیب، مرزهای طبیعی یا مرزهای خشکی در امتداد کوه‌ها و دره‌ها و در میان صحراها و در امتداد زمین‌های کشاورزی و غیره ترسیم می‌شود و مرزهای آبی در امتداد رودها یا دریاها تعیین می‌گردد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۴۵)

۸-۷. مرز فرهنگی^{۱۵}

این‌گونه مرزها معمولاً مرزهای جداکننده فرهنگ‌های متفاوت است بی‌آنکه لزوماً به صورت سیاسی در آید و روی صفحه جغرافیایی ترسیم شود. اما اگر محدوده فرهنگ‌های

مرزها در فضای مجازی همانند فضای واقعی وجود دارند، لکن ماهیت و تجلی آن‌ها تفاوت می‌کند

متفاوت با محدوده ملت‌ها جدا از هم تطبیق پیدا کند، آشکار است که مرزهای سیاسی - جغرافیایی جداکننده آن ملت‌ها مرزهای فرهنگی میان آن‌ها نیز شمرده می‌شود. (همان: ۴۶)

۹-۷. مرز قومی^{۱۶}

مرز قومی جداکننده اقوام از یکدیگر است. پیرامون‌های انتهایی گستره جغرافیایی یک قوم در هر سرزمینی، مرزهای جداکننده آن قوم از اقوام دیگر است. چنین مرزی ممکن است با مرزهای فرهنگی تطبیق یابد و یا از حد ذهنیت خارج نشود؛ ولی آنگاه که یک قوم یک ملت باشد یا چند قوم یک ملت باشد یا چند قوم هم ریشه یک ملت را به وجود آورند، مرزهای جداکننده آن ملت از دیگر ملت‌ها یا همان مرز قومی، نیز شمرده می‌شود. (همان: ۴۶)

۱۰-۷. قلمرو^{۱۷}

کلمه قلمرو در زبان انگلیسی معانی متعددی دارد و از نظر حقوقی به معنای سرزمینی است که به دولت معین تعلق

دارد. جغرافی‌دانان اصطلاح قلمرو را به مفهوم بسیار عام آن به کار می‌برند؛ یعنی ناحیه‌ای که در آن حقوق مالکیت اعمال و به طریقی محدود و مرزبندی می‌شود. (هاگت، ۱۳۷۵: ۳۵۱) قلمرو عبارت است از فضای جغرافیایی مشخص اعم از واقعی یا مجازی که منعکس کننده عرصه حاکمیت و فرمانروایی یک بازیگر سیاسی به‌ویژه حکومت یا حوزه کنترل و نفوذ یک کارکرد و فعالیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و غیر آن می‌باشد. (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۱۰۰)

۸. روند کنونی مرزها

با ازدیاد دولت‌ها در طول قرن بیستم، مرزها نقش مهمی یافتند. این نقش که مستقیماً ناشی از اصل مصوب سال ۱۹۱۸ بود که بیان می‌داشت: «حقوق اقوام برگرفته از خود آن‌هاست.» در قرن بیستم، نخست به سبب استعمار زدایی و سپس به علت فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و یوگسلاوی سابق تعداد کشورها و مسائل مرزی آن‌ها دوباره مطرح شد که هنوز ادامه دارد. در حال حاضر با دو مسئله ضد و نقیض در مورد مرزها روبه‌رو هستیم: ۱. ازدیاد مرزها ۲. مرزهای جدید

۱-۸. **ازدیاد مرزها.** ازدیاد در خواست‌های هویتی اقوام و ملل، در کلیه قاره‌های جهان، باعث ایجاد و استحکام مرزها با دیدگاه امنیتی شده است. در طول قرن بیستم در بعضی از کشورها اقوام و مللی وجود داشتند که مجبور به همزیستی مسالمت آمیز با یکدیگر بودند، اما به دنبال فروپاشی کشورهای مزبور کشورهای مستقل با مرزهای بین‌المللی جدید ایجاد شدند؛ اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری چکسلواکی سابق و یوگسلاوی سابق.

۲-۸. **مرزهای جدید.** جهانی شدن تلقی جدیدی را در مورد مرزهای بالقوه در بین دولت‌ها به وجود آورده است. در عصر جهانی شدن تبادلات تجاری، جا به جایی کالا و سرمایه و رفت و آمد انسان‌ها با یکدیگر و توسعه گردشگری در سطح جهان دیگر مرزها مثل گذشته مورد توجه نیستند. (شوتار، ۱۳۸۶: ۱۹۲) موضوعات و مسائل جدید مرزها را توسعه داده‌اند. از جمله مرزهای فضایی، هویتی و الکترونیکی.

الف. مرزهای فضایی. این مرزها بر اساس توسعه علمی و فنی بشر در فضا و کاوش‌های فضایی پدید آمده‌اند و بشریت را وادار به تعریف قلمروهای فضایی کرده‌اند.

ب. مرزهای هویتی. این مرزها که بر پایه شاخص‌های مشترک گروه‌های انسانی نظیر دین، مذهب، قومیت، نژاد، ملت، وابستگی جغرافیایی یا ترکیبی از آن‌ها در گذشته نیز موجود بودند، به‌ویژه

پس از فروپاشی نظام دو قطبی و جنگ سرد در جهان تقویت شدند و مناسبات ملت‌ها و گروه‌های انسانی را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند. مرزهای هویتی اکنون به عنوان سرچشمه جدایی‌ها، واگرایی‌ها، همگرایی‌ها، دوستی‌ها، دشمنی‌ها و نظایر آن عمل کرده و مناسبات انسانی را شکل می‌دهند. (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۱۰۹ و ۱۱۰)

ج. مرزهای الکترونیکی. این مرزها حدود قلمرو صلاحیت، حاکمیت و هویت ملی کشورها و حکومت‌ها را در فضای دیجیتالی و الکترونیکی مشخص می‌کنند. نظیر کدهای مخابراتی کشورها و فضاهای جغرافیایی درون کشوری، نام‌های دامنه در فضای مجازی و شبکه اینترنت، کارت‌های اعتباری ملی و فیلترها. (حافظنیا و جان پرور، ۱۳۸۷: ۲۴)

۹. مفهوم مرز در فضای مجازی

مرزها در فضای مجازی همانند فضای واقعی وجود دارند، لکن ماهیت و تجلی آن‌ها تفاوت می‌کند. کارکرد اصلی آن‌ها نیز همانند فضای واقعی و نیز کنترل تعاملات، جریان‌ها و فرایندهای فضای مجازی در قلمرو حاکمیت کشورها در فضای جغرافیایی هر کشور و انسان‌های مقیم در آن است. مفهوم مرز در فضای مجازی و شبکه‌های الکترونیکی، **اول** آنکه از ماهیت مجازی و الکترونیکی برخوردار است و همانند مرزهای کلاسیک در فضای عینی و واقعی تجلی ندارد. **دوم** آنکه هویت و قلمرو حاکمیت کشورها را در فضای واقعی منعکس می‌کند، که در واقع پایه و ریشه آن‌ها در کشورها قرار دارد و علت وجودی و کارکردهای آن‌ها به دولت‌های فضای واقعی مربوط می‌باشد. **سوم** آنکه ساز و کارهایی هستند که ضمن انجام خدمات مورد نظر دولت‌ها و شهروندان، چهارچوب فضایی کشورها را معنا بخشیده و به آن اصالت می‌دهند و در واقع ماهیت و کارکرد آن‌ها، قلمرو حاکمیت دولت‌ها در فضای واقعی را منعکس می‌کند. (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۱۱۰ و ۱۱۱)

پی‌نوشت‌ها

۱. قوم خُلق یا قوم خَلج یا قوم خُلج یا قوم خُولج، که برخی بر این باورند از هپتالیان هستند، در واقع شعبه‌ای از یک قوم قدیمی ترک هستند که در سال‌های حدود ۵۵۵ میلادی تحت عنوان خولس نامیده می‌شدند. این زمان قبل از ظهور ترکان و اضمحلال حکومت هپتالیان در غرب آلتایی بود. خلیج‌ها به عنوان طرفداران وفادار حکمران ترکان غربی به نزد فرستاده رومی آمدند. اصطخری محل اقامت خلیج‌ها را در ناحیه کابل ذکر کرده است.

امروزه خلیج‌ها در افغانستان و ایران ساکن هستند.

2. Daivid.m.smith
3. Marz
4. saman
5. kanarag
6. boundary- borders
7. frontier
8. frontiers naturelles
9. International boundary
10. Vanguard boundary
11. super-imposed borders
12. political borders
13. obsolete borders
14. geometrical borders
15. Natural boundaries
16. Cultural boundaries
17. Ethnicboundaries
18. territory

منابع

۱. بلاکسل، مارک (۱۳۸۹)، **جغرافیای سیاسی**، ترجمه دکتر محمدرضا حافظ‌نیا و همکاران، چاپ اول، نشر انتخاب
۲. بهرامی، عسکر (۱۳۷۸)، «پاییدن مرز و حماسه آرش»، نشریه: تاریخ «ایران شناخت»، شماره ۱۳
۳. پیتز، هاگت (۱۳۷۵)، **جغرافیای ترکیبی نو**، جلد دوم، ترجمه دکتر شاپور گودرزی‌نژاد، چاپ اول، سمت
۴. جان پرور، محسن (۱۳۸۷)، **بررسی تحول مفهوم مرز در دوران معاصر**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، **جغرافیای سیاسی فضای مجازی**، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، **جغرافیای سیاسی ایران**، چاپ اول، سمت، تهران
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا و مراد کاویانی (۱۳۸۸)، **افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی**، چاپ دوم، انتشارات سمت
۸. حیدری‌فر، محمد رثوف (۱۳۸۹)، «بررسی انتقادی گفتمان جهان بدون مرز»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره ۲
۹. درایسدل الاسدایر و جerald بلیک (۱۳۷۴)، **جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا**، ترجمه دکتر دره میر حیدر، چاپ چهارم، انتشارات وزارت امور خارجه

۱۰. روشن علی‌اصغر و فرهادیان نورالله (۱۳۸۵)، **فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی - نظامی**، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، تهران
۱۱. شوتار، صوفی (۱۳۸۶)، **شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی**، ترجمه دکتر سیدحامد رضیعی، انتشارات سمت
۱۲. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، **خلیج فارس کشورها و مرزها**، چاپ اول، انتشارات عطایی، تهران
۱۳. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، چاپ اول، انتشارات سمت
۱۴. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹)، **سیاست‌های مرزی و مرزهای بین‌المللی**، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ اول، انتشارات سمت
۱۵. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۲)، **کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس**، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک‌محمدی نوری، چاپ اول، انتشارات وزارت خارجه
۱۶. مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، **درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی**، ترجمه دکتر دره میرحیدر، چاپ اول، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
۱۷. میرحیدر، دره (۱۳۷۱)، **مبانی جغرافیای سیاسی**، چاپ اول، انتشارات سمت
۱۸. ودیعی، کاظم (۱۳۵۳)، **مقدمه‌ای بر جغرافیای انسانی ایران**، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران

19. <http://fa.wikipedia.org/wiki>
20. Cairncross, Francis (1997). *The death of distance: How the communications revolution will change our lives?* Harvard school press.
21. Kearney, Michael (2004). «The classifying and value-filtering missions of borders». *Anthropological Theory*.4(2).
22. Stanbury. W.T. & B Vertinsky. (1995). «Information Technologies and Transnational Interest. Groups: The Challenge for Diplomacy». *Canadian Foreign Policy*. Vol. 2, 3.
23. Sack, Robert (1986). *Human territoriality: Its theory and history*. Cambridge: Cambridge University Press.
24. Yeung, H.W-C (1998). *Capital, state and space: contesting the borderless world*. Transactions of the Institute of British Geographers